

## بررسی دیدگاه زنان شاغل درباره تأثیر اشتغال زنان بر استحکام خانواده

\*محمدحسین یزدانی

### چکیده

نیمی از تعداد هر جمعیت زنان هستند که سهم مهمی در توسعه جامعه می‌توانند داشته باشند تحول جامعه‌ها و تفاوت فرهنگ‌ها و شرایط اجتماعی تفاوت نقش دو جنس زن و مرد را به دنبال داشته است. به طوریکه در کشورهای توسعه یافته چون سوئیس و یا سوئد زنان سهم عمده‌ای از اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند. سهم زنان در کشور ما نیز در امر اشتغال افزوده شده به طوری که در سال ۸۲ حدود ۱۳ درصد بوده است. مقاله حاضر به بررسی تأثیر اشتغال زنان در خارج از منزل بر وضع خانواده از دیدگاه آنان می‌پردازد. ابتدا به اختصار به طرح دیدگاه‌های موافق، مخالف و مشروط با کار زنان می‌پردازد سپس فرضیه‌هایی را براساس این دیدگاه مطرح می‌نماید. تحقیق بر روی ۳۰۰ نفر شاغل زن در منطقه شهری شهرستان شهرضا و دهقانان انجام گرفته که نتایج حاصل از آن حاکی است که کار زنان توانسته در بهبود امکانات اقتصادی و رفاهی خانواده و استقلال مالی و بر روحیه زنان تأثیر مثبت داشته باشد. از طرفی با اضافه شدن ساعات کار اثر منفی آن نیز در بعد غیراقتصادی بروز نموده است.

واژگان کلیدی: زنان، اشتغال، استحکام، خانواده، دیدگاه.

## مقدمه

زنان همواره بار عظیمی از مسائل و مشکلات خانواده اعم از کار منزل، بارداری و زایمان، تربیت فرزندان، مدیریت خانواده و با توجه به شرایط زمانی و تاریخی و مکانی وظایف و مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی را بر عهده داشته‌اند. بعضی از زمان‌ها دارای محدودیت‌های اجتماعی و بعضی از مواقع هم نقش تعیین کننده ایفا می‌نموده است مطهری می‌گوید: « در مراحل اولیه مرد به عنوان طفیلی زن زندگی می‌کرده و خدمتکار زن بوده است در این دوره زن بر مرد حکومت می‌کرده است» (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۲۲۲).

درباره زنان قضاوت‌های نادرستی می‌شد و نگرش‌های جوامع نسبت به زن به عنوان یک انسان هم افق با مرد نبود به طوری که علامه طباطبائی معتقد بود در زمان قبل از ظهور اسلام به زن به صورت‌های زیر می‌نگریستند «زن را انسانی هم افق با حیوان یا انسان ضعیف نفسی می‌شمردند، زن را از هیکل اجتماع خارج دانسته و تنها وزنی که برای او قائل بودند که از شرایط مورد نیاز اجتماعی می‌دانستند، مانند مسکنی که باید بدان پناه برد ... زن را از عموم حقوقی که ممکن بود از آنها منتفع شود محروم می‌دانستند ... اساس رفتارشان با زن غالبیت قوی و مغلوبیت ضعیف و به عبارت دیگر قریحه استخدام بود ... دنیا به طور کلی درباره زن به نحوی که ذکر کردیم قضاوت می‌کرد و پیوسته او را در زندان ذلت و خواری محبوس می‌داشت» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ص ۳۷۸).

در غرب نیز تا قرون اخیر زن از حق مالکیت و حقوق طبیعی و حتی حق رأی نیز برخوردار نبود. با ظهور انقلاب صنعتی و تغییر و تحولاتی که از این ناحیه در اجتماع حاصل شد و در اثر جنگ جهانی تشدید گردید زن از خانه بیرون آمد، اگر چه زن در طول زمان‌ها و دوران گذشته همواره با مرد و خانواده فعالیت کرده و در نیروی کار خارج از منزل به صورت سنتی مشارکت می‌نموده است، اما با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی فعالیت زنان نیز شکلی همانند مردان گرفت و به صورت یک فرد همپای مرد در صحنه اجتماع حاضر گردید. از این جا دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به زن و فعالیت آنها بوجود آمد که هر کدام از دیدگاه خود، آن را مورد توجه قرار داده و می‌تواند مورد بررسی قرار گرفته شود. در این تحقیق سعی شده تأثیر اشتغال زنان بر استحکام خانواده بررسی شود ابتدا به صورت خلاصه دیدگاه‌های موجود طرح می‌گردد.

## دیدگاه‌های مخالف با کار زنان

به نظر می‌رسد مخالفت با کار زنان از زمانی آغاز شد که زن برای کار از خانواده جدا شده و این وضع از قرن ۱۸ میلادی در اروپا و تا نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه امروزی با بوجود آمدن صنایع به‌خصوص صنایع نساجی و ایجاد کارگاه‌های صنعتی ادامه پیدا کرد. از همان زمان نهضت‌هایی با هدف دفاع از حقوق زنان در برابر امکانات، دستمزد، کار، حق رأی و ... پا گرفت و در مقابل این حرکت‌ها، دیدگاه‌های تازه‌ای نسبت به زنان از ناحیه همجنسان و مردان مطرح گردید چنانچه ارسطو، پل مقدس، آگوستین قدیس، دکارت، هگل، شوبنهاور، نیچه و کانت «هرگونه تغییر اساسی در بطن جامعه در جهت تساوی حقوق زنان یا مردان را خطر جدی برای ثبات جامعه می‌دانستند» (مرکز مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

اگوست بیل یکی دیگر از مخالفان می‌گوید: «به راستی دیدن زنان و حتی زنان باردار در حال بردن فرقان‌های حاوی بار سنگین در محوطه ساختمانی، مخلوط کردن آهک و سیمان و ... هر آنچه زنانه است به این ترتیب از زن ربوده می‌شود و زنانگی وی نیز لگدمال می‌گردد. بالاخره زنان جوانتر و دوشیزگان زیباتر هر چه به عنوان کارمند خدمتاتی، آوازه‌خوان و ... به منظور جلب مردان تشنه لذت در انواع پاتوق‌های عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند و این بیشترین لطمه را به شخصیت آنان وارد می‌آورد» (ورنر، ۱۳۶۷، صص ۱۴-۴۶).

آندره میشل معتقد است: «شوهر و پدر با داشتن شغل و درآمد، وظیفه یک دسته‌ای از وظایف را بر عهده دارد که از نظر نظام خانواده‌اش اساسی است. برحسب اهمیت زندگی شغل او در خانواده است که در نظام جامعه شوهر - پدر را راهبر اصلی خانواده می‌دانیم اگر زن ازدواج کرده شغل نان‌آور را برعهده گیرد خطر رقابت با شوهرش به میان می‌آید مسئله‌ای که برای وحدت و هماهنگی خانواده زیان‌آور است» (میشل آندره، ۱۳۵۴، ص ۱۲۲).

تلکسی نظریه پرداز نهادگر، معتقد است: «در تماس زن با جهان بیرون از خانواده، متضمن زیان جبران ناپذیری ... و کار کردن بیرون از خانه امنیت و موجودیت خانواده را که زیربنای معنوی رفتار را بوجود می‌آورد از هم می‌پاشد» (روزن‌باوم، ۱۳۶۷، ص ۳۲).

از نظر روانشناسان فرویدی: «هر زنی که تمایل به انجام کارهای حرفه‌ای روشنفکرانه یا شرکت در دنیای خارج از خانه دارد روان‌نژند یا نوروتیک است و از نظر فارنهام و فردنیاتسه لامبرگ نهضت آزادی زنان در اصل یک بیماری عمیق است» (همان، ۱۳۷۴، صص ۹ و ۱).

پارسنز نیز معتقد است: «زنان نباید در زندگی شغلی از الگوهای مردانه پیروی نمایند و در رقابت مستقیم با مردان طبقه خویش برآیند زیرا تغییر در فرصت‌های شغلی و ایجاد برابری موجب از هم گسیختگی ساخت خانواده خواهد شد» (دفتر امور زنان، ۱۳۷۴، ص ۱۱۱).

### دیدگاه‌های موافق با کار زنان

در ژانویه ۱۷۹۲ میلادی اولین کار اساسی در زمینه نظریه‌های معتقدین در اصالت حقوق زن به نام «استیفای حقوق زنان» توسط مری ولستن گرافت در انگلستان منتشر شد و بدین ترتیب بناهای اولیه «فمینیستها» با طرفداران زنانه بوجود آمد. هر چند که مورخان عقاید فمینیستی معتقدند نوشته‌هایی درباره حقوق زنان در قرن چهاردهم وجود داشته است.

از نظر تاریخی تکامل جنسی فمینیستی را به دو مرحله اصلی تقسیم کرده‌اند، اولین مرحله از اوایل قرن نوزدهم تا کمی بعد از جنگ جهانی اول و مرحله دوم از اوایل نیمه دهه ۱۹۶۰ تا عصر حاضر، به نظر می‌آید تمامی دیدگاه‌های فمینیستی به نوعی درباره ستمی که به زنان و پایمال شدن حقوقشان رفته است از دیدگاه خود توجه داشته‌اند و به شکلی آن را بیان و به طرفداری از حقوق آنان پردازد راهکارهایی را در این خصوص ارائه می‌دادند. به همین دلیل آنها را به لیبرالیست، مارکسیست، سوسیالیست، رادیکال یا انقلابی تقسیم نموده‌اند.

هریت تیلور معتقد بود: «که زنان چه مجرد و چه شوهردار را باید تشویق نمود که نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای استقلال مالی بلکه مهمتر از آن، برای استقلال روانی دنبال کار کردن بروند. زیرا کارکردن عزت نفس را قوت می‌بخشد و مشارکت اصیل و مساوی بین زن و شوهر را تسهیل می‌کند (مرکز مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

در حال حاضر بسیاری از دیدگاه‌های جوامع مختلف مبتنی است بر اینکه به زن به عنوان یک انسان که دارای حق و حقوقی مساوی با مرد است نگاه شود و او می‌بایست همانند جفت خود، در سرنوشت اجتماعی و فردی سهیم باشد و جامعه انسانی باید از این نیروی عظیم در جهت توسعه جامعه استفاده نماید. گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۸ این طور

نتیجه‌گیری می‌کند که: «رابطه بین رفاه اقتصادی و توسعه انسانی نه رابطه‌ای است خودبخودی و نه مستقیم، در عوض وظیفه دولت‌ها است که برای حصول اطمینان از این که توسعه واقعاً زندگی مردم را بهبود می‌بخشد، تلاش‌های هماهنگی به عمل آورند. جهان باید از دل مشغولی صرف اقتصادی به عنوان هدفی در ذات خود، ملاحظه‌ای که همچنان تسلط خود را در عرضه گزینه‌های سیاسی حفظ کرده‌اند فاصله بگیرد. مطابق با چنین نگرشی، باید سیاست‌هایی در اولویت قرار گیرد که رهنمود به پیشبرد رشد مساعد به حال فرد از طریق و اعطای اعتبار به کسب و کارهای کوچک تأمین دسترسی به زمین و آموزش و پرورش برای گروه‌های فقیر ایجاد فرصت‌های بهتر برای مشارکت زنان در نگرش اقتصادی جامعه باشند» (برنامه عمرانی ملل متحد، ۱۹۹۸، صص ۲۲ و ۲۳).

از سال ۱۹۹۵ در شاخص توسعه انسانی سازمان ملل، شاخص توسعه مرتبط با جنسیت و شاخص دیگری به نام «مقیاس توانمندسازی جنس»<sup>۱</sup> مورد نظر بوده است.

بعضی براین باورند که توجه به زنان عاملی برای سلامت و بهداشت خانواده و باروری زنان است به طوری که گفته شد عدم توانایی زنان در تصمیم‌گیری و عدم آزادی آنها در عملکرد اقتصادی و اجتماعی علت و معلول قدرت محدود آنها در مسائل مربوط به زندگی جنسی و باروری آنهاست» (نشریه انجمن خانواده جمهوری اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۵۸، صص ۳۷-۳۸).

هافمن معتقد است: «زن شاغل به علت رابطه اجتماعی که در جریان کار خود پیدا می‌کند روشن‌بین‌تر از زن غیر شاغل می‌شود و با زندگی، بهتر کنار می‌آید و هم‌چنین در سال‌های میانه ازدواج که فرزند بزرگ شده و یا خانواده را ترک می‌گوید اشتغال در تعادل روحی زن اثر مثبت دارد» (تیلا، ۱۳۷۱، ص ۱۵۶).

### دیدگاه‌های مشروط با کار زنان

بسیاری از دانشمندان و متفکران اجتماعی معتقدند همان‌طوریکه زن و مرد از نظر فیزیولوژیکی تفاوت دارند وظایفی که باید بر عهده آنان گذاشته شود نیز باید متناسب با شرایط جسمی و روحی آنان باشد. ژان‌ژاک روسو معتقد است «میان انسان‌ها و گونه نابرابری وجود

1- Gender empowerment measure (GEM)

دارد، یکی جسمی که از طبیعت سایه می‌گیرد و تفاوت در سن، سلامت، نیروی بدنی و کیفیات ذهنی یا روحی را شامل است، و یکی که می‌توان آن را نابرابری اخلاقی و سیاسی نامید مبنی بر نوعی قرارداد است که در نتیجه توافق و تراضی آنها ایجاد و یا دست کم مجاز می‌شود و شامل امتیازهای متفاوتی است که برخی افراد به زیان دیگران از آن بهره می‌برند مانند ثروتمندتر، محترم‌تر» (محسنی، ۱۳۶۷، ص ۹).

لنسکی معتقد است: «نابرابری با توجه به طبیعت انسانی اجتناب‌ناپذیر ولی درجه نابرابری با توجه به طبیعت انسانی متفاوت است» (نامه علوم اجتماعی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴).

جان استوارت میل پیش‌بینی می‌کرد: «زنان مزدوج وظایف همسری و مادری را ترجیح دهند» (مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی، ۱۳۷۸، ص ۶۰).

آنچه مسلم است خصوصیات جسمی و روحی مرد و زن از بسیاری جهات متفاوت است این تفاوت‌ها را می‌توان از لحاظ فیزیکی و ظاهری، توانایی جسمی حالات و روحیات و احساسات و ... دید. بر این اساس هر کدام از این دو جنس می‌تواند نقش‌هایی را مطابق با استعدادها و توانایی‌هایی که دارند بر عهده بگیرند.

از نظر اسلام زن و مرد فقط از نظر تقوا و پرهیزگاری نسبت به هم برتری دارند. زن و مرد مکمل همدیگرند. «هن لباس لکم و اتم لباس لهن» (سوره بقره، آیه ۱۸۷) زن را پایه سکونت و آرامش قراردادده «وجعل منها زوجها لیسکن الیها» (سوره اعراف، آیه ۱۸۹).

از نظر اسلام مرد و زن از نظر طبیعی دارای تفاوت‌هایی هستند ولی این تفاوت‌ها به معنی برتری بر دیگری نیست. استاد شهید مطهری در این خصوص می‌گوید: «قانون خلقت از این تفاوت‌ها منظور دیگری داشته است، قانون خلقت این تفاوت‌ها را برای این بوجود آورده است که پیوند خانوادگی زن و مرد را محکم‌تر کند و شالوده وحدت آنها را بهتر بریزد، بدست خود حقوق وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کند... نه از آن جهت است که با دو چشم به آنها نگاه کردند» (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۱۴۷).

در نظام اسلامی، زن همانند حقوقی را دارد که مرد دارد: حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن و ... زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند. در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان، در بنای جامعه اسلامی داشته باشد. زنان از نظر نقش معنای که در بنای جامعه

اسلامی دارند، و اسلام زن را تا حدی ارتقاء می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه بازیابد و از «شیء بودن» برون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد» (امام خمینی، ۱۳۷، ص ۲۱۰).

دیدگاه‌های اسلامی بر این اساس استوار است که حقوق زن و مرد مساوی است اما باید در فعالیت‌های خود رعایت جوانب شرعی را بنماید.

از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اصل ۲۸ آمده: «هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام، مخالف عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند و در اصل ۱۰ نیز آمده، از آنجایی که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن، استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

### نتیجه‌گیری

۱- طرفداران مخالف با کار زنان، نابودی خانواده، عدم توانایی زن در جهت مراقبت از خود و سوء استفاده نمودن افراد، خدشه‌دار شدن روابط خانواده به دلیل دسترسی زن به پول، از بین رفتن وحدت رهبری و خطر رقابت با شوهر را نتیجه کار زنان دانسته و با آن مخالف هستند.

۲- استقلال مالی به تبع آن استقلال روانی، پیدا کردن عزت نفس، رسیدن به مشارکت در زندگی مشترک، از بین بردن ستم بر زن، استفاده از نیروی زنان در توسعه و ایفای نقش خود به عنوان یک نیرو در تصمیم‌گیری اجتماعی و عملکردهای اقتصادی، رسیدن به خودباوری. مسئولیت‌پذیری، رسیدن به آزادی و ... را دلایل موافقت اشتغال زنان است. آنها معتقدند تفاوت‌های روحی و روانی نتیجه فرهنگ و عوامل اجتماعی و نگرش‌های عمومی است نه ذاتی.

۳- گروه طرفداران دیدگاه‌های مشروط با تیکه بر اینکه زن و مرد از نظر فیزیولوژی شرایط متفاوت جسمی دارند و این امر باعث شده ایفای نقش متفاوت داشته و فعالیت آنان را منوط به داشتن شرایط و زمینه‌های متناسب با نوع آن می‌دانند. از نظر اسلام علاوه بر اینکه زن و مرد دارای شرایط جسمی و روحی متفاوت هستند و این امر را لازمه زندگی اجتماعی و خانواده

می‌داند شروط دیگر را باید در فعالیت‌های خود در نظر داشته باشد از آن جمله رعایت مراتب شرعی و حجاب و عفت، شرافت خانواده‌ها و سلامت اجتماعی و ارزش‌های اسلامی و انسانی در نظر گرفته شود.

## روش‌شناسی

### جامعه آماری و محل تحقیق

تحقیق در شهرستان شهرضا و دهقان در نقاط شهری شهر شهرضا و دهقان انجام گرفت که بر مبنای فرمول کوکران حجم نمونه ۳۰۰ نفر تعیین و به صورت تصادفی از بین شاغلان انتخاب و پرسشنامه بین آنان توزیع، و نتایج زیر بدست آمد.

### نتایج تحقیق

جامعه نمونه انتخابی از نظر فعالیت ۴۴/۷ درصد در بخش آموزش و پرورش، ۲۸/۳ درصد در بخش دولتی به غیر از آموزش و پرورش، ۱۷/۷ درصد به صورت فعالیت آزاد (کاسب، خیاط، فروشنده و ...) و ۹ درصد در فعالیتهای پزشکی و پیراپزشکی و ۰/۳ درصد در فعالیتهای نظامی شرکت داشتند از نظر وضعیت تأهل ۱۰ درصد مجرد، ۸۷/۳ درصد متأهل، ۰/۷ درصد مطلقه و ۲ درصد بدون همسر در اثر فوت بودند.

۸۳/۲ درصد آنها زیر ۲۴ سال، ۱۴/۱ بین ۲۹-۲۵ سال ازدواج نموده‌اند. زنان مجرد شاغل ۲۰ درصد مشکلات اقتصادی، ۱۷ درصد مخالف ازدواج، ۶۰ درصد موقعیت نامناسب و عدم تمایل در حال حاضر و ۳ درصد ترس از ازدواج را علت مجرد بودن بیان نمودند.

میانگین تعداد فرزندان زنان شاغل ۱/۸ نفر یعنی هر ۱۰ نفر زن ازدواج کرده ۱۸ نفر کودک داشته‌اند و متوسط فاصله گذاری بین فرزندان ۴/۵ سال بوده‌است. ۸۴ درصد خود و یا همسر سرپرست خانواده بوده‌اند.

متوسط درآمد جامعه نمونه آماری ۸۵ هزار تومان در ماه بوده و درآمد زنان بیشتر صرف خرید احتیاجات روزانه با ۳۴/۷ درصد، پرداخت اقساط وام منزل و یا خودرو، ۲۳/۷ درصد خرید لباس برای کودکان و خود، ۲۳ درصد پس انداز و ۶/۳ درصد طلا و جواهر و یک درصد مابقی نامشخص و خرید وسایل منزل بوده است.



بطور متوسط زنان ۷ ساعت در شبانه‌روز کار می‌کرده‌اند.

۷۴/۴ درصد از خانواده‌ها دارای مالکیت خصوصی منزل، میانگین سطح زیر بنای متوسط در اختیار خانواده در کل زنان نمونه ۱۴۱/۲۲ مترمربع و تعداد اتاق در اختیار جامعه نمونه آماری ۲/۸ و ۲۷ درصد از زنان دارای مالکیت منزل و ۱۸/۷ درصد دارای مالکیت خودرو هستند. ۹۴ درصد از آنان بیان نمودند که دارای تلویزیون رنگی و ۸۶ درصد تلویزیون و ماشین لباسشویی و ۴۷/۲ درصد دارای دو مورد قبلی و مبلمان. ۱۹/۷ درصد از زنان عنوان نمودند که با همسر خود تاکنون اختلاف داشته و از این درصد، ۴۷/۴ درصد آنان گفته‌اند تاکنون به طلاق اندیشیده‌اند و ۳۱ درصد از افراد دارای اختلاف منجر به قهر بوده‌اند.

۵۷/۳ درصد اظهار کرده‌اند که اشتغال بر روابط بین آنان و همسر تأثیر گذاشته و از این درصد ۷۸/۶ درصد اثر مثبت و ۲۱/۴ درصد به اثر منفی اشتغال معتقدند. ۸۰/۳ درصد از افراد متأهل بیان نموده‌اند که همسر آنان از اشتغال آنان راضی و یا بسیار راضی و ۵/۷۷ درصد ناراضی و بسیار ناراضی هستند.

جدول توزیع فراوانی ارزیابی توافق زوجین

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	ارزیابی توافق زوجین
۱۶	۱۶	۴۸	جواب نداده و مجردین
۵۳	۳۷	۱۱۱	بسیار خوب
۸۳	۳۰	۹۰	خوب
۹۴/۷	۱۱/۷	۳۵	متوسط
۹۸/۷	۴	۱۲	نامناسب
۱۰۰	۱/۳	۴	بسیار مناسب
	۱۰۰	۳۰۰	جمع

۴۴ درصد از زنان دارای همسر توافق بین خود و همسر را بسیار خوب، ۳۶ درصد خوب، ۱۴ درصد در حد متوسط و ۶ درصد نامناسب و بسیار نامناسب ارزیابی کرده‌اند.

۴۸/۵ درصد مشکلات درسی کودکانشان را خود، ۳۶ درصد همسر، ۱۳ درصد خواهران و برادران و ۱/۳ درصد غیر از افراد خانواده برطرف نموده‌اند.

فرزندان این زنان ۷۰ درصد اوقات فراغت را با خانواده، ۲۱ درصد با پدر و مادر بزرگ و ۸ درصد با افراد دیگر می‌گذرانده‌اند.

۶۵ درصد از زنان گفته‌اند که کودکانشان مبتلا به بیماری شده که ناشی از اشتغال بوده‌است و در جواب این سؤال که پرسیده شد، آیا تاکنون بر اثر شغل شما اختلافی با همسران پیش آمده که به جدایی فکر کنید؟ ۵۸ درصد جواب داده‌اند بلی.

۶۹ درصد از زنان جامعه نمونه اعتماد به نفس خود را خوب و بسیار خوب، ۲۶ درصد متوسط و ۵ درصد نامناسب و بسیار نامناسب دانسته‌اند.

۸۰/۷ درصد فرزندان خود را از نظر اعتماد به نفس خوب و بسیار خوب و بقیه متوسط و نامناسب ارزیابی کرده‌اند. ۶۷ درصد شغل را مانع رفت و آمد با خویشان دانسته و ۹۶/۵ درصد رابطه بین خود و فرزندان را صمیمی و بسیار صمیمی و ۷۰ درصد از کودکان این زنان مشکلات خود را با مادران ۲۶/۵ درصد با پدر و ۳/۵ درصد با برادر و یا خواهر در میان می‌گذاشته‌اند.

۹۲ درصد از زنان فرزندان خود را از نظر تحصیلی موفق و ۷ درصد متوسط و مابقی ناموفق ارزیابی کرده‌اند. ۷۴ درصد از زنان شاغل معتقدند که اشتغال آنان باعث بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و ۱۱ درصد معتقد به تأثیر منفی بوده‌اند.

۲۷ درصد از زنان بیان نموده‌اند که اشتغال بر وظیفه مادری آنان تأثیر منفی داشته و ۹۰ درصد معتقد بوده‌اند که اشتغال موجب تأثیر خوب یا بسیار خوب در استقلال در تصمیم‌گیری آنان شده‌است و ۶۷ درصد معتقدند که کار باعث بسیار احترام گذاشتن از طرف دیگران به آنان شده‌است.

۶۰ درصد از زنان از زندگی خود احساس رضایت بسیار زیاد و زیاد و ۳۳ درصد متوسط و ۷ درصد بسیار کم و کم داشته‌اند.

در اثر کار ۶۲/۳ درصد احساس خوشبختی بسیار زیاد و زیاد و ۳۱ درصد متوسط و ۶/۷ درصد کم و بسیار کم داشته‌اند.

۳۷ درصد نیازهای مالی آنان توسط همسران و ۵۰ درصد توسط خود زنان و مابقی توسط اطرافیان تأمین شده است. تصمیم‌گیری در خانواده زنان شاغل ۶۱ درصد به صورت مشارکتی و ۲۰ درصد توسط همسر به تنهایی و ۱۹ درصد توسط زنان به تنهایی اخذ می‌شده است. در جواب این سؤال که آیا حاضرید در صورتیکه از نظر مالی تأمین باشید باز هم کار کنید؟ ۸۰ درصد جواب بلی و ۲۰ درصد جواب خیر داده‌اند. آنها انگیزه کار خود را چنین بیان نموده‌اند:

۳۶/۷ درصد عشق و علاقه به کار و اجتماعی زیستن، ۳۴/۳ درصد نیاز مالی، ۹/۳ درصد خدمت نمودن به جامعه و ۱۰/۷ درصد استقلال داشتن در زندگی و ۹ درصد برای سرگرمی.

جدول توزیع فراوانی انگیزه‌های کار زنان

انگیزه های کار زنان	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
عشق و علاقه به کار ، اجتماعی زیستن	۱۱۰	۳۶/۷	۳۶/۷
نیازهای مالی	۱۰۳	۳۴/۳	۷۱
خدمت نمودن به جامعه	۲۸	۹/۳	۸۰/۳
استقلال در زندگی	۳۲	۱۰/۷	۹۱/۳
سرگرمی	۲۷	۹	۱۰۰
جمع	۳۰۰	۱۰۰	

در جواب اینکه چه مشکلات و موانعی برای اشتغال شما وجود دارد؟ ۲۸/۷ درصد بیان نموده‌اند که هیچ مشکلی وجود ندارد، ۳۶/۳ درصد نگهداری فرزندان، ۵/۷ درصد انجام کارهای مربوط به منزل، ۹ درصد عدم درک آنها و مخالفت با آنان و ۶ درصد بی‌حوصلگی و خستگی ایاب و ذهاب و ۱۴ درصد فقط به ذکر مشکلات زیاد بسنده نموده‌اند.

جدول توزیع فراوانی موانع کار زنان

موانع کار زنان	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
هیچ مشکلی وجود ندارد.	۸۶	۲۸/۷	۲۸/۷
مواظبت از فرزندان	۱۰۹	۳۶/۳	۶۵
انجام کارهای منزل	۲۵	۸/۳	۷۳/۳
مخالفت و عدم درک آنها	۲۷	۹	۸۲/۳
با حوصلگی، خستگی، ایاب و ذهاب	۱۷	۵/۷	۸۸
مشکلات زیاد	۳۶	۱۴	۱۰۰
جمع	۳۰۰	۱۰۰	

در آزمون فرضیه‌ها نتایج زیر بدست آمد:

### فرضیه اول

- اشتغال زنان توانسته بر وضعیت اقتصادی خانواده و بهبود شرایط زندگی از نظر اقتصادی و بر خورداری بهتر از امکانات مؤثر باشد.

برای این منظور سه شاخص نوع مالکیت مسکن، زیربنای مسکن، تعداد اتاقها در دست خانواده و امکانات داخلی (لوکس) مورد سنجش قرار گرفت که نتایج زیر حاصل شد.

بین درآمد و سطح زیر بنا آزمون همبستگی پیرسون بعمل آمد که عدد  $0/141$  حاصل که با در نظر گرفتن درجه آزادی (۲۶۰) در سطح اطمینان ۹۸ درصد رابطه معنادار است.

بین درآمد و تعداد اتاقهای در اختیار منزل نیز آزمون همبستگی انجام گرفت که با ۹۵ درصد اطمینان رابطه مثبت و معنادار است. بین نوع مالکیت و درآمد نیز آزمون کی دو بعمل آمد که نتایج در جدول زیر آمده است که با ۹۰ درصد اطمینان رابطه معنادار است.

جدول ۲ نوع مالکیت با درآمد

درآمد	نوع مالکیت منزل			
	شخصی	اجاره‌ای	پدري	غيره
پایین	۱۷	۸	۱	۲
متوسط	۱۴۵	۳۶	۱۰	۲
بالا	۳۳	۵	۳	-
جمع	۱۹۵	۴۹	۱۴	۴

بین درآمد و امکانات داخل منزل نیز آزمون کی دو بعمل آمد که در سطح ۸۰ درصد اطمینان و ۲۰ درصد معنادار است.

برای نوع مالکیت مسکن، زیربنای مسکن، تعداد اتاق‌ها، امکانات داخلی و داشتن خودرو امتیازاتی از ۱۰ تا ۳ در نظر گرفته شد مجموع امتیازات با میزان درآمد هر فرد آزمون همبستگی بعمل آمد و با ۹۰ درصد اطمینان همبستگی آن تأیید شد.

#### فرضیه دوم

بین ساعات کار زنان و دچار شدن کودکان به بیماری سخت در زمان کودکی، وجود بیماری روحی در کودکان، نداشتن ارتباط صمیمی با مادر و چگونگی اعتماد به نفس کودکان آزمون بعمل آمد.

جدول ۳ ارتباط بین ساعات کار زن و وجود بیماری سخت کودک

ساعات کار	جواب	
جمع	بله	خیر
کم	۱۵	۲۷
متوسط	۴۸	۸۲
زیاد	۵	۱۶
جمع	۶۸	۱۲۵

ضمناً برای وجود بیماری روحی از مادر سؤال شده بود که کدام از موارد زیر در کودکان شما دیده می‌شود زودرنجی، ترس و نگرانی، اضطراب و دورویی و انزوا طلبی.

براساس آزمون کی دو بعمل آمده نتایج زیر حاصل گردید. بین ساعات کار و وجود بیماری روحی با ۹۰ درصد اطمینان رابطه وجود دارد اما این رابطه با بیش از ۹۰ درصد رد شد.

جدول ۳ ارتباط بین ساعت کار زن و وجود بیماری روحی یا روانی کودک

ساعات کار	وجود بیماری		جمع
	بلی	خیر	
کم	۷	۲۳	۳۰
متوسط	۳۴	۵۱	۸۵
زیاد	۳	۱۳	۱۶
جمع	۴۴	۸۷	۱۳۱

بین ساعات کار و چگونگی رابطه با فرزندان با ۸۰ درصد اطمینان و ۲۰ درصد خطا رابطه معنادار وجود دارد و بیشتر از آن رد شد.  
 بین شغل و اعتماد به نفس با بیش از ۹۵ درصد اطمینان رابطه معناداری وجود دارد اما بین ساعات کار و اعتماد به نفس ارتباط معناداری وجود ندارد.  
 بین دچار شدن به بیماری سخت در دوران کودکی و ساعات کار رابطه معنادار وجود ندارد.

#### فرضیه سوم

اشتغال زنان در خارج از منزل موجب بروز اختلاف بین زن و همسر می شود سنجش اختلاف و فور اختلاف، اندیشیدن به طلاق، و فور دوران قهری در زندگی مشترک، عدم رضایت همسر از اشتغال زن، عدم توافق بین زن و مرد، تعیین و آزمون بعمل آمد که نتایج زیر حاصل گردید.

جدول ۲ ارتباط اختلاف با ساعات کار

ساعات کار	جواب	بلی	خیر	جمع
کم		۱۲	۲۰	۳۲
متوسط		۱۳	۷۲	۸۶
زیاد		۲	۱۷	۱۹
جمع		۲۷	۱۱۰	۱۳۷

بین ساعات کار و وجود اختلاف با در نظر گرفتن درجه آزادی در سطح ۹۰ درصد اطمینان رابطه وجود دارد. بین دفعات موقت جدایی یا قهر آزمون ضریب همبستگی بعمل آمد که نتیجه  $r=0/1028$  شد. با در نظر گرفتن درجه آزادی در سطح اطمینان ۸۷ درصد معنادار است و بیشتر از آن رد شد.

جدول ۳ ارتباط ساعات کار و رضایت همسر

ساعات کار	رضایت همسر	بسیار راضی	راضی	ناراضی و بسیار ناراضی	جمع
کم		۴۰	۱۰	۲	۵۲
متوسط		۱۲۰	۴۱	۱۰	۱۷۱
زیاد		۱۷	۱۳	۷	۳۷
جمع		۱۷۷	۶۴	۱۹	۲۶۲

بین رضایت همسر و ساعات کار با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار وجود دارد. بین ساعات کار و توافق زن و همسر با حدود ۹۵ درصد اطمینان رابطه وجود دارد.

جدول ۲ رضایت همسر و شغل زن

شغل	رضایت	کم	متوسط	زیاد	جمع
آموزشی	۷۵	۳۲	۴	۱۱۱	
کارمند بخش دولتی	۴۱	۲۴	۵	۷۰	
آزاد	۳۲	۱۳	۲	۴۷	
پزشکی و پیراپزشکی	۲۱	۱۲	۱	۳۴	
جمع	۱۶۹	۸۱	۱۲	۲۶۲	

بین شغل و رضایت در سطح ۸۲ درصد اطمینان رابطه وجود دارد.

#### فرضیه چهارم

اشتغال زنان می‌تواند تأثیر خوبی بر روحیه آنان بگذارد. شاخص سنجش تأثیر خوب بر روحیه، احساس رضایت از زندگی، احساس خوشبختی، احترام گذاشتن از طرف دیگران و چگونگی خود تأثیر تعیین گردید. مطالعه‌های قبلی نشان داده‌اند که اشتغال و تأثیر مثبت رابطه معناداری بیش از ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد.

جدول ۳ ارتباط بین ساعات کار و تأثیر روحی و روانی بر زنان

تأثیر بر روحیات	ساعات کار	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۴	۳۶	۳	۴۳	
متوسط	۴۲	۱۲۶	۲۶	۱۹۴	
زیاد	۵	۱۷	۳	۲۵	
جمع	۵۱	۱۷۹	۳۲	۲۶۲	



بین ساعات کار و چگونگی تأثیر، آزمون همبستگی بعمل آمد که  $r = -0.123$  بود که نشان دهنده تأثیر منفی است به عبارتی با اضافه شدن ساعات کار اثرات منفی بروز می‌کند که این مقدار در سطح ۹۵ درصد تائید می‌شود.

بین شغل و چگونگی تأثیر رابطه معناداری وجود نداشت. باید متذکر شد شاید یکی از دلایل چگونگی توزیع شغل در بین شاغلین زن است که بیشتر در شغل‌های آموزشی و یا دولتی فعالیت داشته‌اند.

### فرضیه پنجم

اشتغال زنان در خارج از منزل موجب افزایش طلاق می‌گردد. برای آزمون این فرض از آزمون نسبت دو صفت استفاده گردید. ملاک‌سنجش درصد وجود طلاق بین زنان نمونه شاغل، و شاغل و غیر شاغل جامعه آماری کل براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ مشخص شد.

نسبت صفت (طلاق) در نمونه تحقیقی ۰/۷۴ درصد و در جامعه کل تحقیق ۰/۵۵ درصد بوده است که عدد حاصل از آزمون ۰/۴۲ بدست آمد که با عنایت به مقدار  $Z$  در سطح ۰/۰۵ درصد خطای آلفا و یا ۰/۰۰۱ درصد خطای آن معادل ۱/۹۶ یا ۲/۳۳ خواهد بود که در مقایسه با  $Z$  بدست آمده بسیار فاصله دارد. نتیجه اینکه بین اشتغال و طلاق رابطه معناداری وجود ندارد.

$$P_1 = \frac{7}{27} = 0.259$$

$$P_0 = 0.55$$

$$Z = \frac{|0.259 - 0.55|}{\sqrt{0.55(1-0.55)}} = 0.42$$

## فرضیه ششم

بین اشتغال زنان در خارج از منزل و کاهش باروری آنان رابطه معناداری وجود دارد.  
برای آزمون این فرض از آزمون T بهره گرفته شد.

$$t = \frac{|M_1 - M_2|}{\sqrt{\frac{S_1^2}{N_1} + \frac{S_2^2}{N_2}}}$$

براین اساس لازم بود که میانگین تعداد کودکان هر زن در نمونه تحقیق با جامعه مشابه مقایسه گردد برای این منظور بطور تصادفی از ۱۴۶ زن متأهل که سن آنها بین ۲۰ تا ۴۸ سال بود درخصوص تعداد فرزندان سؤال شد که میانگین تعداد فرزندان آنها ۲/۶۷۶ و میانگین کودکان زنان نمونه شاغل آماری ۱/۸۶۷ نتیجه گردید. عدد حاصل از آزمون مربوطه مساوی ۴/۵۳ بدست آمد که با در نظر گرفتن درجه آزادی در سطح ۹۹/۹ درصد اطمینان دارای ارتباط معناداری است.

## نتیجه گیری

هر چند که نتایج هر تحقیق بر علوم انسانی نمی تواند به طور قطعی باشد و می بایست در جاهای دیگر نیز آزمون و مورد بررسی مجدد قرار گیرد اما نتایج حاصل از تحقیق گویای این است که: اشتغال زنان در خارج از منزل از ابعاد اقتصادی بر فرد و خانواده، جنبه های روانی و روحی زنان، موقعیت تحصیلی فرزندان و زن، فراهم آوردن امکانات بهتر زندگی و رفاه بیشتر، کاستن از بار تکفل در خانواده، مشارکت در اداره منزل تأثیر مثبت داشته است. از نظر اجتماعی نیز موجب بالارفتن منزلت اجتماعی زنان، کنترل جمعیت، سهولت دسترسی به توسعه، استفاده از تمامی استعدادها و توانایی های افراد و بسیاری دیگر از جنبه های اجتماعی شده است.

اشتغال زنان تأثیر منفی نیز بر خانواده از نظر نگهداری و مراقبت از فرزندان، گذران اوقات فرزندان با دیگران، روابط زوجین و توافق طرفین داشته است، که مقداری می تواند حاصل اثرات فرهنگی و اجتماعی و مقداری نیز ناشی از غیبت مادر در خانه باشد، که با اضافه شدن

ساعات کار این اثر تشدید شده و حتی بر روحیه زنان شاغل نیز این اثر بروز نموده است. لذا پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱- از آنجایی که جنبه‌های مثبت اشتغال زنان بیش از جنبه‌های منفی آن است و هم‌چنین در فرایند توسعه نیز بسیاری از تغییرات و تحولات اجتماعی و جنبه‌های مؤثر بر خانواده گریزناپذیر بوده و به وقوع می‌پیوندد می‌بایست رسانه‌های جمعی و مبلغان مذهبی سعی نمایند با باورهای ذهنی غلط، پیش‌داوریه‌ها درخصوص تمامی جنبه‌های مربوط به نقش زنان در جامعه، آنها را به سمت صحیح تغییر دهند تا زن و مرد براساس آن به حقوق اساسی یکدیگر احترام گذارند و مشکلات ناشی از اداره منزل را مشترکاً حل کنند.

۲- با توجه به اثرات معکوس ساعات اشتغال زنان بر خانواده و عدم توجه زیاد زنان به انگیزه‌های مادی کار، اولاً: ساعات کار زنان در خارج از منزل کاهش پیدا کند (نصف شود) ثانیاً: با توجه به وضعیت اشتغال کشور و اینکه در آینده زنان سهم بیشتری از اشتغال را خواهند خواست می‌تواند این راهبرد به معطل بیکاری و مشارکت بیشتر زنان منجر شود و ثالثاً: وقت بیشتری به زنان برای رسیدگی به خانواده و فرزندان داده می‌شود.

۳- قوانین در جامعه بوجود آید که تا زمانی که کودکان به سنی برسند که کمتر مراقبت ویژه بخواهند زنان دارای فرزند از مرخصی استفاده کنند.

۴- در برنامه‌ریزی‌ها سعی شود تا حد امکان زنان در نزدیکترین محل نسبت به منزل مشغول به کار شوند زیرا در شهرهای بزرگ بسیاری از وقت صرف ایاب و ذهاب می‌گردد.

۵- همانطوری که در حال حاضر نیز نوع فعالیت‌ها با فرهنگ و باورهای اجتماعی و مذهبی تناسب دارد این روند برای مشاغل زنان نیز مدنظر قرار گیرد.

## منابع

- ۱- امام خمینی، روح‌ا... کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام. ۱۳۷۲.
- ۲- اندره، میشل. جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه: فرنگیس اردلان. تهران: انتشارات دانشگاه. ۱۳۵۴.
- ۳- برنامه عمران ملل متحد. گزینه مطالب گزارش توسعه انسانی. ۱۹۹۸.
- ۴- بیروآلن. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی. ۱۳۶۷، تهران: انتشارات کیهان.
- ۵- تونس، ورنر. زن در جستجوی راهی. ترجمه: شهلا لاهیجی و دیگری. انتشارات روشنگران.
- ۶- تیلا، عباس. زن در آینه تاریخ. ۱۳۷۱.
- ۷- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. فرهنگ علوم اقتصادی. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ اول: ۱۳۶۴.
- ۸- دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری. زن، علم، صنعت و توسعه. تهران. چاپ اول: ۱۳۷۴.
- ۹- روزن باوم، هاری. خانواده به منزله ساختار در مقابله جامعه. ترجمه: محمدصادق مهدوی. تهران: مرکز نشر جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۷.
- ۱۰- طباطبائی، محمدحسین. تفسیرالمیزان. جلد دوم. ۱۳۶۳.
- ۱۱- محسنی، منوچهر. جامعه‌شناسی عمومی. تهران: کتابخانه طهوری. ۱۳۶۸.
- ۱۲- مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی مدیریت مطالعات. بولتن مرجع فمینیستیم شماره ۴. گزینه مقالات و متون درباره فمینیستیم. ۱۳۷۸.
- ۱۳- مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا. ۱۳۵۷.
- ۱۴- نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۴. پائیز و زمستان ۱۳۷۸.

پروژه: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی